

گفت‌وگو با مرتضی حیدری آل‌کثیر، شاعری که بیشترین شعرهایش را برای امام رضا(ع) سروده است

# عطش زیارت، شوق سرودن

۲

آلبوم مناقب خوانی رضوی هنرمندان افغانستانی رونمایی شد

## عرض ارادت با «قول و قبول»

به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، آلبوم «قول و قبول» شامل قوالی و مناقب‌خوانی‌های رضوی هنرمندان افغانستان با حضور جمعی از هنرمندان و مسئولان فرهنگی و هنری در نگارخانه رضوان رونمایی شد.

به گزارش آستان‌نیوز، مجموعه «قول و قبول» شامل ۹ اثر قوالی با نام‌های «قبولم کن»، «سجده‌گاه ارادت»، «بیاد زانو می‌زند»، «چه حالی داریم»، «یانور و یاقدوس»، «توتیا»، «مور می‌رقصد»، «ملک سلیمانی» و «قبولم می‌کنی؟» و ۶ اثر مناقب‌خوانی با عناوین «می‌چرخد»،

«یک قطعه از بهشت»، «آهوی

کیست؟»، «پا ضامن آهو»، «با

دست خالی آمدم» و «رسیدم

دوباره» است. جواد تابش،

عبدالخالق رضایی و ...



درباره زندگی و زمانه آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نوقانی، عالم مدفون در حرم رضوی

## تلاقی دانش و عشق در خطابه و منبر

که مرحوم میرزامهدی آشتیانی به مشهد آمده بود، همراه با مرحوم اصفهانی در درس فلسفه زنده‌یاد آشتیانی حاضر می‌شد. افزون بر این‌ها، با شیخ عباس قمی، مؤلف مفاتیح‌الجنان دوستی دیرینه داشت و به خواست او، مقدمه‌ای بر این کتاب شریف نوشت که در چاپ‌های نخست مفاتیح وجود دارد.

#### ■ منابرماندگار

خانه‌اش در محل کنونی تکیه فتاح در مشهد، جایی پشت قبرستان قدیم محله سراب قرار داشت و او در همین مکان، روزهای عاشورا منبر می‌رفت و سخنرانی می‌کرد. حافظه شگفت‌انگیز که موجب می‌شد بتواند اطلاعات وسیع تاریخی، مذهبی و اعتقادی را یک جا به مخاطبان ارائه کند، در کنار تسلط بر فن خطابه و سیمای جذابش، هزاران نفر از مردم مشهد را جذب منبر ایشان می‌کرد. شیخ گاهی در مدرسه میرزاجعفر و مسجد گوهرشاد هم منبر می‌رفت. معتقد بود در منبر از مرحوم آیت‌الله میرزا حبیب مجتهد پیروی می‌کند و اعتقاد داشت که منبرهای آن مرحوم، در سبک ایراد سخنرانی وی تأثیری بسزا داشته است. آیت‌الله نوقانی در مقتل خوانی، خودش را به یک کتاب خاص محدود نمی‌کرد و از بیان داستان‌های ضعیف و نامعتبر، سخت ابا داشت. به همین دلیل، از روی نوشته‌های شخصی خودش که مجموعه‌ای از احادیث و روایات مستند بود به خطبه‌خوانی می‌پرداخت. او در اواخر عمر و به پیشنهاد برخی دوستانش به مطالعه مکاتب فلسفی و اقتصادی غربی پرداخت و مقالات و یادداشت‌هایی در نقد مارکسیسم و ماتریالیسم نوشت و در باب ادیان دیگر هم، به نگارش کتاب پرداخت و نشان داد در ملل و نحل هم، مطالعات عمیقی داشته است. آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نوقانی به شدت اهل نظم و انضباط بود و برخی معتقدند همین ویژگی اخلاقی وی، نقش مهمی در احیای حوزه علمیه خراسان داشت. برخلاف ادعای برخی از نویسندگان، شیخ ابدأ نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت نبود و با وجود آنکه تهجد و عبادت‌های زاهدانه خود را اقامه می‌کرد، از اوضاع سیاسی کشور و جهان اسلام، اطلاعات کافی داشت و در مواقع ضروری از اظهار نظر یا حمایت و مخالفت کوتاهی نمی‌کرد. او فردی صاحب قریحه و ادیب هم بود و بخشی از اشعار نغز و عارفانه‌اش در مجموعه‌ای شعری به یادگار مانده است.

اداره امور موقوفات جد‌ه‌اش، گوهرشاد خاتون دختر یونس‌خان جلایر دریافت می‌کرد، روزگار می‌گذراند، این ویژگی، یعنی استغنا‌ی مالی و البته قناعت و مناعت طبع، از وی مجتهدی آزاده و منتقد ساخت. دکتر غلامرضا جلالی در کتاب «مشاهیر مدفون در حرم رضوی» نقل می‌کند که وی مرادواتی با امام خمینی(ره) داشت؛ آن گونه که ایشان وقتی به مشهد می‌آمد، وارد خانه آیت‌الله نوقانی می‌شد و در زمان رحلت این عالم ربانی هم برای عرض تسلیت به دیدار بازماندگانش آمد. آیت‌الله نوقانی با شیخ محمدحسین مطهری، پدر استاد شهید مرتضی مطهری هم سابقه دوستی داشت و گاه برای دید و بازدید راهی فریمان می‌شد. با وجود گرایش به تهجد و عرفان، از مسائل عقلی و فلسفی هم غافل نبود. او دوستی نزدیکی با شیخ مهدی اصفهانی، بانی مکتب تفکیک داشت و در زمانی



#### ■ محمدحسین نیکبخت | نوقان

همان طور که بارها اشاره کرده‌ایم، قدیمی‌ترین محله مشهد مقدس است؛ جایی که نامش در تاریخ به مناسبت‌های گوناگون درج شده و خاک آن را عالم‌پرور دانسته‌اند. یکی از علمای پرورش یافته در این محله کهنسال، مرحوم آیت‌الله‌شیخ‌علی‌اکبرنوقانی است؛عالمی جلیل‌القدر و عارف‌مسلك که در سال ۱۲۶۲ خورشیدی متولد شد. خاندان نوقانی اصالتاً از وابستگان ایل بزرگ جلایر بودند که در کلات روزگار می‌گذراندند و ۲۰۰ سال پیش از ولادت شیخ علی‌اکبر به مشهد کوچیده و در محله نوقان سکنا گزیدند؛ یعنی در دوره صفویه. آیت‌الله نوقانی از علمای بسیار خوشنام ودانشمند حوزه‌علمیه خراسان بود؛ قندی بلند و صدایی رسا داشت. افزون بر این‌ها، چهره گیرا و چشمان نافذ او بر مخاطبان تأثیر می‌گذاشت؛ از این رو منبر وعظ و خطابه‌اش در زمره پرطرفدارترین منابر شهر مشهد محسوب می‌شد، وی در ۲۷ بهمن ۱۳۲۹ درگذشت و در دارالسعادة حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. در رواق امروز با هم زندگی و ویژگی‌های شخصیتی این عالم نامدار مدفون در حرم امام رضا(ع) را مرور می‌کنیم.

#### ■ دوستی با امام خمینی(ره) و پدر شهید مطهری

شیخ علی‌اکبر تا ۲۷ سالگی در مشهد بود؛ او در مدارس علمیه مشهور این شهر مقدس مانند مدرسه نواب پای درس بزرگانی مانند میرزاعبدالجواد ادیب نیشابوری نشست و از محضر عالمانی مانند شیخ حسنعلی تهرانی علم آموخت. شیخ علی‌اکبر دو سه سالی پس از پیروزی انقلاب مشروطه و احتمالاً در بحبوحه استبداد صغیر، عازم عتبات شد و در حوزه علمیه نجف نیز از موهبت شاگردی آخوند خراسانی، سیدکاظم رشتی و میرزای دوم شیرازی برخوردار شد. شیخ علی‌اکبر در سال ۱۲۹۰ خورشیدی چند ماه پس از رحلت آخوند خراسانی، در حالی که اجازه اجتهاد خود را از میرزای دوم شیرازی گرفته بود، به زادگاهش بازگشت و در مشهد به تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم مشغول شد. او بیشتر عمر خود را مجاور حرم مطهر رضوی بود و تنها در اواخر حیات، ضمن سفر حج، دوباره به عتبات مشرف شد و در حرم مطهر اباعبدالله(ع) منبر رفت و خطبه خواند. آیت‌الله نوقانی برای امور معیشتی خود، از سهم امام(ع) استفاده نمی‌کرد و با حق‌التولیه‌ای که بابت



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۲۴۸ |

موعظه / آیت‌الله جوادان

### می‌شود در زندگی کاشکی نگوییم؟

۲



در نشست تحلیل مدیحه‌سرایی میثم مطیعی مطرح شد

### انتقال پیام بدون استفاده درست

از هنر، شکست می‌خورد

۳

### حضور آستان قدس رضوی

در کنفرانس علمی امام باقر(ع)

۴

حجت‌الاسلام رضا غلامی مطرح کرد

### ۱۲ نکته برای ارتقای

کنگره علوم انسانی اسلامی

۲

کنگره ملی شعر فاطمی به ایستگاه پایانی رسید

### ۱۸ سال نوری

۴

#### خبر

### رونمایی از یک نسخه خطی کم‌نظیر



با حضور آیت‌الله اشرفی شاهرودی از نسخه خطی کم‌نظیر «الانتصار» رونمایی شد. این نسخه که در مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، از نظر قدمت در بین نسخه‌های دیگر این کتاب در کل کتابخانه‌های ایران، رتبه دوم را دارد. آیت‌الله اشرفی شاهرودی در آیین رونمایی از نسخه نفیس کتاب «الانتصار» اثر شریف مرتضی، جمع‌آوری و نگهداری از نسخ خطی قدیمی علما، فقها و ادیبان و بهره‌برداری از این آثار ارزشمند را کار بسیار بزرگی خواند و سیدمرتضی، صاحب «الانتصار» را یکی از مفاخر عالم اسلام معرفی کرد.

همچنین سیدرضا صداقت حسینی، کارشناس ارزشیابی و ثبت نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، در این مراسم با اشاره به نگهداری از ۱۸۵ نسخه خطی از آثار سیدشریف مرتضی در مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی، از نسخه خطی «الانتصار فیما انفردت به الامامیه» به عنوان یکی از آثار بسیار نفیس و کهن ایران نام برد.

وی با بیان اینکه این کتاب همانند دیگر کتاب‌های فقهی از «طهارت» تا «دیات» را شامل می‌شود، افزود: نسخه خطی «الانتصار» در مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی به لحاظ تاریخ کتابت و قدمت، دومین نسخه خطی در بین دیگر نسخ این کتاب در کتابخانه‌های ایران بوده که از اعتبار و ارزش بالایی برخوردار است و یکی از نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح کتابی بوده که توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم منتشر شده است. صداقت حسینی افزود: این کتاب در ۱۵۷ برگ ۱۹سطری و روی کاغذ حنایی به ابعاد ۲۵ در ۱۸ سانتیمتر در هشتم رجب سال ۵۹۶ هجری قمری کتابت شده است.

### فیلم‌کلت زندگی



### عشق از ما

### چه موجود غریبی

### ساخته است

#### رقیه توسلی | آدم‌ها هر چند وقت

یک بار باید برگردند به گذشته و عطر خاطراتشان را بو کنند. مثلاً برگردند به پیکان سفید یخچالی و جاده کفی... برگردند به کثلت تورا‌هی مادرِ بزرگ... برگردند به نمازهای شکسته سفر... به تابستان بی‌کولری که بادبزَن حرف اول و آخر را می‌زد... به شور و شوق رسیدن که زیاد بود و به جاده‌ای که تمام نمی‌شد انگار... به هر نیم ساعت یک باری که از توی جمع یکی سلام می‌داد به آقا... آقای امام رضا.

واقعاً باید گاهی رفت به قشنگی‌های گذشته. مثلاً یک سر رفت تا هفت سالگی و پای‌پای اقوام ایستاد پای صحبت صاحبخانه. سر بالا کرد و به مردی زل زد که خانه حیاط‌دارش را می‌خواهد چندروزه اجاره بدهد. خانه‌ای حوالی حرم، توی خیابان پشت بازار. آن وقت بعد توافق، سرخوشانه کلید را چرخاند توی قفل و کیف کرد از پا گذاشتن به خانه‌ای که آشنا نیست اما همه آشناها تویش جمع‌اند. باید خاطره‌گردی کرد و رفت توی همان خانه‌هایی که یک دنیا زیباست. خانه

اجاره‌ای زائرانه. آن وقت محو عمه و مادر و آقاچان و عمو شد که حلقه اشکی دویده توی چشمشان و دارند سلام عاشقانه می‌دهند رو به حرم. به گمانم هر چند وقت یک بار آدم دلش را باید بسپرد به گذشته‌ها که درجا هوس عطر مشهدی بکند، هوس تسبیح رنگی، بهانه چای با نبات بازار رضا را بگیرد و دلتنگ نقاره‌زن‌ها بشود و دلتنگ کبوترها... آن طور که قاب عکس روی میز را بردارد و ببوسد... عکس دسته‌جمعی سی سال پیشی که خودش یک دخترک هفت ساله است تویش...

دخترکی که چادر گلدار قرمز که دوروبرش پر از دخترعمه عموهای قدونیم قدند... .

#### ■ بی‌نوشت

بیابید با خواندن صلوات خاصه، زائر امام

رضا(ع) شوید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی عَلٰی بْنِ مُوسٰی الرِّضَا الْمُتَّقٰی الْاِمَامَ التَّقٰی الْتَّقٰی وَ حَبِّتْکَ عَلٰی مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ وَ مِنْ تَحْتَ الثَّرٰی الصِّدِّیقَ الشَّهِیدَ صَلَوةً کَثِیْرَةً تَامَّةً زَاکِیَةً مُّتَوَاصِلَةً مُّتَوَاتِرَةً مُّتَرَاوِفَةً کَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیَائِکَ

#### منبرمجازی

### قیامت کمرنگ شده است



**حجت‌الاسلام بی‌آزار تهرانی |** ما را عیث خلق نکرده‌اند... ما اینجا مسافریم. «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه»، آخر کار کجاست؟ ملاقات پروردگار است. باور معاد مهم است، جبهه‌ها چرا بوی خدا می‌داد؟ چرا در جبهه‌ها سرتاسر بوی ایمان، همه جا را گرفته بود و امروز چه شده است، مقداری ایمان‌هایمان بو گرفته است؟ آن روز تمام آن خاکریزها با هیمنه‌شان پشت همت بچه‌های ما جبهه گرفته بودند اما امروز یک عده پشت میزهایشان موقعیت گرفته‌اند. چه فرقی کرده است؟ جبهه‌ها بوی مرگ می‌آمد و قیامت با همه وجود حس می‌شد... از این چنگ به دنیا انداختن خبری نبود، اما حالا باور قیامت کمرنگ شده است. حتی منبرها از تذکرات اخروی تهی است، غالباً بشارتی محبت می‌کنیم و از فضائل اهل بیت(ع) و از شفاعت می‌گوییم و بعد هم می‌گوییم دسته‌جمعی ان‌شاءالله با هم می‌رویم بهشت... نه... کار سخت است. اگر کسی قبر و قیامت را باور کند توحیدش کامل می‌شود.

حضرت امام(ره) یکسری شاگردهای عرفانی در مدرسه سلماسی قم و نجف پای درس عرفان نظریشان می‌نشستند... یکسری فارغ‌التحصیل یک شبه هم داشتند؛ ۱۳سالش بود، اما فهمید خدا هست، برای اینکه مرگ برایش شیرین شده بود. امام می‌گفت من به این‌ها غیبه می‌خورم... امام یکسری شاگردهایی داشت که این‌ها با همه وجودشان خدا را دیده بودند... لبریز از توحید شده بودند این‌ها چه کسانی بودند؟ این‌ها مثل شهید محمد جهان‌آرا بودند... مثل شهید خرازی‌ها بودند، ما قرآن را تلاوت می‌کنیم که نگوییم ماه رمضان ختم قرآن نکردیم... اما این‌ها قرآن را دیدند که «کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره بادن الله»... خدا را در فتح خرمشهر دیدند که امام فرمود خرمشهر را خدا آزاد کرد. این‌ها فانی در توحید بودند. این‌ها کسانی‌اند که آیت ربانی - آیت‌الله شهید دستغیب- می‌گوید حاضرم ۷۰سال سجاده‌نشینی و عبادتم همه را یک جا بدهم دو رکعت از آن نمازهایی که این‌ها با پوئین‌هایشان پشت خاکریزها با آن عقیده توحیدی و باور معادی خوانده‌اند معاوضه کنم؛ این‌ها فهمیدند خدا کیست. شهید جهان‌آرا می‌گوید: شهر سقوط کرد خیلی دلتان شور زند، خدا هست. به یاری خدا دوباره فتحش می‌کنیم... شهید خرازی در حمله اول با ۲۵۰ نفر آغاز کرد در حالی که در مقابلش ۱۹هزار نفر بودند. آیا این همان «فئه قلیله» نیست که به اذن‌الله غوغا می‌کند و ۱۱هزار اسیر ماحصلش می‌شود؟